

یادش به خیر، مزرعه «خیرآباد»!



موقعیت محله خیرآباد بر روی نقشه، امروز مشهد

مرضیه ترابی | در نوشتارهای پیشین، با هم تاریخ تعدادی از روستاها و مزارع قدیمی شمال مشهد را که امروز به بخشی از این کلان شهر تبدیل شده اند و تنها یاد و نامی از آن ها باقی مانده است، مرور کردیم. شناخت تاریخ این بخش از مشهد، می تواند نقش مهمی در بازشناسی هویت شهری داشته باشد و این هویت، در شکل دادن به شخصیت اجتماعی ساکنان این مناطق،

تأثیرگذار است. در این قسمت، قصد داریم درباره «خیرآباد»، با شما صحبت کنیم؛ مزرعه‌ای قدیمی که امروز نامش را به‌طور خاص به فضای شهری میان خیابان‌های رسالت ۱۸ و ۲۰، جایی در شمال مشهد و نزدیک به «فاطمیه»، اطلاق می‌کنند؛ البته این نام، درحال حاضر نام رسمی محله نیست و این مردم هستند که با استفاده از نام خیرآباد، این مزرعه «باقرآباد» یا «بُقرآباد»، قرار گرفته است که

پیشینه خیرآباد، کار ساده‌ای نیست. چنان‌که در ادامه خواهید دید، اسناد قابل مطالعه‌ای درباره گذشته آن وجود دارد، اما به دلیل وجود ابهام در تطبیق نام به‌کاررفته در این اسناد با منطقه‌ای که به آن اشاره کردیم، باید در پذیرش آنچه با مطالعه اسناد به‌دست می‌آید، احتیاط کرد. از نظر جغرافیایی، خیرآباد در شمال شرقی مزرعه «باقرآباد» یا «بُقرآباد»، قرار گرفته است که



چند نما از محله خیرآباد

می‌کنیم؟ از سوی دیگر، در برخی اسناد سخن از «مزرعه خیرآباد از بلوک تبادکان» به میان آمده است که درباره انتساب آن به مزرعه خیرآباد مورد بحث هم تردید داریم. متأسفانه از مزرعه خیرآباد در «کتابچه میان ولایت» و «کتابچه تبادکان» (مجموعه‌ای که در دوره ناصرالدین‌شاه تنظیم شده و در آن نام و مشخصات مزارع و آبادی‌های اطراف مشهد و دیگر نقاط خراسان ثبت شده است، این مجموعه در قالب کتاب «جغرافیا و نفوس خراسان در دوره ناصری» به همت رضا نقدی منتشر شده است) سخنی به میان نیامده است تا بتوانیم در این زمینه راحت‌تر اظهارنظر کنیم، با این حال از آن‌جا که موقعیت جغرافیایی بلوک تبادکان و مزرعه محراب‌خان تقریباً انطباقی یافتنی با یکدیگر است، می‌توان چنین فرض کرد که هر دو مزرعه خیرآباد نام برده شده در اسناد، درواقع به یک مکان اشاره می‌کند و البته، اینکه بخشی از این مزرعه به نام «محمودآباد» شهرت داشته است، دور از انتظار نیست و می‌شود آن را پذیرفت، به همین دلیل، باید مکانی را که امروز با نام خیرآباد می‌شناسیم، با کمی اغماض درمورد موقعیت دقیق جغرافیایی‌اش، همان مزرعه خیرآباد ثبت شده در اسناد بدانیم که امروز تنها نامی از آن باقی است.

● خیرآباد به روایت اسناد قدیمی‌ترین سندی که در آن به نام مزرعه خیرآباد اشاره شده است، مربوط به سال ۱۰۲۲قمری (۹۹۲ خورشیدی) و عهد شاه عباس یکم صفوی است؛ سندی که همزمان با آرامش ایجادشده در مشهد و خیز عمرانی در آن، پس از بیرون راندن ازبکان در سال ۱۰۱۰قمری تنظیم شد. براساس مندرجات این سند که با شماره ۴۵۰۱۴ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری

● دشواری‌های مکان‌یابی باتوجه به آنچه درباره موقعیت جغرافیایی خیرآباد گفتیم، به نظر می‌رسد نباید درمورد مکان‌یابی آن دچار تردید باشیم، اما متأسفانه چنین نیست! واقعیت آن است که ما نمی‌دانیم خیرآباد دقیقاً در کدام قسمت شمال مشهد قرار گرفته بود. مهدی سیدی، مشهدپژوه نام‌آشنا، در کتاب «جغرافیای تاریخی شهر مشهد» معتقد است محله خیرآباد کنونی، دقیقاً در محل مزرعه قدیمی خیرآباد قرار ندارد. او باور دارد در مکان کنونی خیرآباد، مزرعه‌ای به نام «اسپریزی» یا «اسفریزی» قرار داشته است که نام آن در اسناد قدیمی مانند «وقف‌نامه محراب‌خان» و «طومار عضدالملک» دیده می‌شود و درمیان مردم منطقه، به نام «سی‌بی‌سی» یا «سیوسی» مشهور بوده است. این دیدگاه هرچند تأمل برانگیز است، اسباب اقناع پژوهشگران را فراهم نمی‌کند. در سندهای مربوط به حدود مزرعه محراب‌خان که امروز در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، مزرعه «اسپریزی» جایی در مرز غربی مزرعه محراب‌خان قرار داشته است. اما دلیلی نداریم که خیرآباد امروزی روی این مزرعه قرار گرفته باشد. از سوی دیگر، نشانه‌هایی در دست داریم که به ما اطلاعاتی از دو محدوده و منطقه با نام خیرآباد در شمال مشهد می‌دهد. در وقف‌نامه مرحوم «محمود بیگ» یا «محمود بیگا» که در سال ۱۱۲۰قمری (۱۰۸۷ خورشیدی) و اواخر دوره صفویه تنظیم شده است، پنج دانگ از مزرعه «خیرآباد محراب‌خانی» معروف به «محمودآباد»، همراه با زمین و قنات‌هایی در دیگر نقاط این منطقه، وقف نایب‌الزیاره و وقف و خرج ایتمام و بختن حلیم در ماه مبارک رمضان و توزیع آن بین فقرا شده است. حال سؤال این است که آیا مزرعه «خیرآباد محراب‌خانی»، همین مزرعه خیرآبادی است که درباره‌اش صحبت

راسته کوزه‌گران در مجاورت باروی مشهد



تصویری از یک کارگاه سفال‌گری در کنار باروی مشهد

شیرین سیدی | جایی پشت دروازه و دیوارهای محله پایین خیابان در مجاورت نهر نادری که برای آبیاری مزارع پایین دست دشت مشهد جریان داشت، راسته‌ای بود که در آن، سفالگران به تولید فرآورده‌های سفالی گوناگون مشغول بودند؛ از ساخت ظروف سفالی مانند «تاقار» که در «ماس‌بندی» و «خمیرگیری» استفاده فراوانی داشت تا ساخت «کول» که از آن برای حفاظت دیواره چاه و قنات استفاده می‌کردند و شاید «تبوشه» های ظریفی که حکم لوله‌های آب امروزی را داشت و سبب می‌شد معماران مشهدی بتوانند در بنای اماکن متبرکه یا خانه‌های شخصی و معابر عمومی، با ساخت یک آب‌نمای جذاب، دلبری کنند. همه این‌ها، بیرون از شهر و جایی پشت دروازه پایین خیابان تولید می‌شد و هنگامی که در سال ۱۲۷۷ خورشیدی، دالمانی تصمیم گرفت تصویری از این کارگاه‌ها تهیه کند، بی‌اختیار دیوار باشکوه مشهد نیز در عکس جای گرفت و برای ما، نسلی که هیچ تصویری از باروی شهر نداریم، یادگاری ارزشمند برج گذاشت. امروز از آن باروی باشکوه، ردنشانی جز چند نام ناشناخته وجود ندارد، کوچه‌هایی که فقط قدیمی‌ها نام اصلی‌شان را به یاد دارند و آن‌ها را با کلماتی مانند «پی‌تَره» یا «پی‌تیره» می‌شناسند، «تَره» یا «تیره» تغییر یافته واژه «بارو» است.

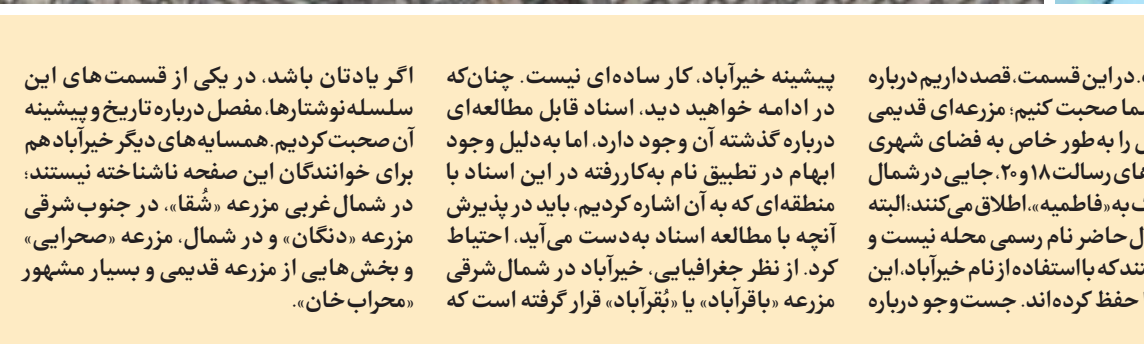
منبع: مرکز اسناد آستان قدس رضوی

منبع: مرکز اسناد آستان قدس رضوی

منبع: مرکز اسناد آستان قدس رضوی



موقعیت محله خیرآباد بر روی نقشه، امروز مشهد



در این دوره، هفده نوع خربزه در مشهد و اطراف آن کشت می‌شده که تفصیل آن در «گزارش مکتب شاپور» آمده است. اما اینکه چه نوع خربزه‌ای در خیرآباد کشت می‌شد، طبعاً بر ما معلوم نیست. در سال ۱۳۳۰قمری (۱۲۹۰ خورشیدی) مقارن با ایام پهنوتیو بسنت حرم رضوی توسط روس‌ها، مزرعه خیرآباد به‌صورت اجاره در اختیار «آقامیرزا عادل التولیه» قرار داشت (سند شماره ۱۴۱۶۹ از مجموعه اسناد آستان قدس رضوی). وی نام کاملش میرزا قاسم بن میرزا بابا و «معاون کارخانه خادمی» (آشپزخانه خادم) در حرم رضوی بود. عادل التولیه در مزرعه خیرآباد اقدام به کشت کندو و جو می‌کرد، اینکه او تا چه زمانی مستأجر مزرعه مذکور بوده است، فعلاً بر ما معلوم نیست، اما می‌دانیم که در دهه ۱۳۰۰ خورشیدی، عادل التولیه، دیگر مستأجر مزرعه خیرآباد نبود و به جای وی «امجد التولیه»، این سمت را برعهده داشت (سند شماره ۶۶۲۷ از مجموعه اسناد آستان قدس رضوی). امجد التولیه علاوه بر در اختیار داشتن مزرعه خیرآباد، مزارع دیگری مانند، «موسی‌آباد» رانیز در بلوک تبادکان اجاره کرده بود، اما ظاهر از عهد ریزدخت اجاره بهای بر نمی‌آمد. در سال ۱۳۰۸ خورشیدی، رئیس دارالانشاء آستان قدس رضوی در نامه‌ای بلندبالا به محمدولی اسدی، نایب التولیه وقت آستان قدس، موضوع تعلل امجدالتولیه در پرداخت اجاره بها را شرح داد و خواستار «فسخ اجاره املاک مشارالیه و واگذاری آن به اشخاص دیگر» شد. درباره فرجام این نامه، اطلاعات بیشتری در اختیار نداریم، مزرعه خیرآباد، مانند دیگر مزارع اطراف مزرعه بزرگ محراب‌خان، به تدریج و از اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی، مسکونی و به قسمتی از فضای شهر مشهد تبدیل شد، به‌طوری‌که کمتر نشانی از زمین‌های زراعی آن باقی‌ماند و همان‌طور که گفتیم، تنها تعدادی از فضاهای مشجر آن تا چند دهه قبل دوام آورد.

مزار خواجه یار

درباره یکی از بناهای تاریخی خواف



هادی دقیق | «خواجه یار یکی از شهیدان صدر اسلام است که در سال ۱۸ قمری به فرماندهی احفب بن فیض مأمور فتح هرات بود. در بازگشت پیروزمندان با عهدشکنی گروهی از اهالی این منطقه روبه‌رو شدند و این پیکار، منجر به شهادت تعدادی از لشکریان اسلام شد که می‌توان از جمله خواجه یار و شهدای گمنام تپه خرگرد را نام برد. بنای ساختمان مربوط به قرن ۱۳ قمری است و ا در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و حاکم وقت که محسن خان کلانی خوافی بود، بنا شد.»، این متن، نوشته روی یک تابلو فلزی رنگ‌زده و رنگ‌ورورفته است که بر بالای ایوان اصلی بنایی در خواف، نصب شده است. مزار خواجه یار بنایی است که در دو کیلومتری جنوب غربی شهر خواف، بر دامنه کوه خواجه یار، واقع شده و دو آب‌انبار و قبرستانی در پیرامونش قرار دارد. این بنا در زمان قاجار ساخته یا احتمالاً مرمت شده است و از گذشته به آن «خواجه یار» می‌گفته‌اند. در نگاه اول، وقتی از دور بنای خواجه یار را تماشا کنیم، چند مشابه با چنین کاربری و موقعیت جغرافیایی در منطقه به ذهن می‌آید؛ از جمله بنای بوذرجمهر قاینی که تقریباً در همین موقعیت، در حاشیه قاین بر پای کوهی خاوش کرده و آرامگاه بوده است. شهرداری خواف این بنای تاریخی جدا مانده از شهر را به فضایی تفریحی تبدیل کرده است که به‌نوعی بام شهر خواف هم تلقی می‌شود و چشم‌اندازی بی‌مانند به شهر دارد. روی هم رفته حوضچه جلوتینا و جویی که هرچند فصلی، در کنار آن جاری است، مزار خواجه یار را دل‌نشین و به تفرج‌گاه اهالی خواف بدل کرده است.

● بنایی تاریخی بر بام خواف

مزار خواجه یار که فروردین ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ثبت شد، پایه‌هایش را در بلندترین نقطه کوهیابه محکم کرده است و ساختمان آن یک بنای کوشک‌مانند و طبقه است که در سالیان گذشته مرمت شده است. شکل بنا فریاد می‌زند که اگر قری قری معماران قاجار، آن را سرپا کرده است. از نظر فرم قاجاری و کوشکی نیز مزار خواجه یار شبیه باغ‌ها و کوشک‌های قاجاری بیرجند است؛ ترکیب طاق‌های گوناگون و قاب‌هایی که باطاق نما تزئین شده‌اند، شکل کوشک‌سازی قاجاریان را نداعی می‌کند. ابعاد کلی بنای مزار خواجه یار تقریباً چهارده در شش متر است. در هر دو سوی بنا، پله‌هایی قرار دارد که از طریق دالانی، ابتدا به دو طرف فضای مرکزی راه دارد، سپس از انتهای همین دالان، پله‌هایی ماریجج به اتاق‌های طبقه دوم بنا می‌رسد. فضای مرکزی بنا پر از گوشه‌سازی‌هایی است که به یک گنبد کم خیز در وسط می‌رسد و بر دیوار سمت قیله آن، محرابی قرار دارد که با گچ تزئین شده است. این فضا کامل با گچ پوشیده شده است و متأسفانه دیوارهایش امروز بر اثر یادگاری نویسی افرادی است که در عصر فناوری همچنان علاقه دارند نامشان روی بناهای تاریخی دیده شود. این بنای کوشک‌مانند به محوطه‌ای محصور در دیوار خشکه چین سنگی مشرف است. چند سکوی بلند نیز روی پایه‌های آجری در میان محوطه واقع شده‌اند و در تحقیقات این سکوهای پلکانی که در نهایت به مزار می‌رسند، محوطه این بنای ثبت ملی شده هستند. در اطراف مقبره خواجه یار از گذشته، اشخاصی را دفن کرده‌اند و برخی گزارش‌ها، قبری‌ای این منطقه را به شهدای صدر اسلام مربوط می‌دانند. در نتیجه اکنون قبرستانی پیرامون بنا تشکیل شده است. درباره خود خواجه یار هم داستان‌های فراوانی نقل شده است که در مستندبودن آن‌ها شک و تردید است و فقط به همان نوشته سردر بنا اکتفا می‌کنیم. با همه این‌ها امروز دسترسی به مزار خواجه یار راحت است و چندین مسیر از شهر خواف به آن منتهی می‌شود.



● آب‌انبارهای مزار خواجه یار

کمی دورتر و در فاصله حدود صد متری مزار خواجه یار، دو آب‌انبار به فاصله کمی از یکدیگر قرار دارند. این آب‌انبارها در پرونده‌ای جداگانه در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند. یکی از آب‌انبارها که پلان مخزنش دایره‌ای شکل است و هشت متر قطر دارد، اکنون ویران شده و فقط بقایای دیوارش به جا مانده است. درکل از همین بازمانده هم چنین برمی‌آید که دیوار آب‌انبار از سنگ لاشه با ملاط گل و آهک ساخته شده و روی آن با چهار لایه ساروج، اندود شده و سقفش گنبدی آجری داشته است. آب‌انبار در این منطقه جزو ملزومات زندگی بوده است و همین نزدیکی این دو آب‌انبار، نشان دهنده اهمیت تأمین آب منطقه است. آب‌انبار دیگری با پلان مستطیل شکل کنار آب‌انبار مخروبه مدور ایجاد شده که تقریباً سالم است و سردر و مقرنس زیر آن و همچنین طاق‌ها و طاق‌نماهایش، شکوهی تاریخی را گواهی می‌دهد. ورودی این آب‌انبار ایوانی با طاق جناغی و دو درگاه در دو طرف است و از انتهای ایوان با شش پله عریض به آب می‌رسیده است. به نظر می‌رسد مخزن و ایوان آب‌انبار مستطیل شکل در دو زمان متفاوت ساخته شده باشد.

آب‌انبارهای خواجه یار از نظر سبک معماری مشابه آثار معماری دوره تیموری و صفوی هستند و هیچ بعید نیست که چنین قدمتی داشته باشند، ضمن اینکه بقایای دیوارهایی در پیرامون آب‌انبارها، حاکی از وجود تأسیسات جانبی در اطراف آن‌ها در گذشته بوده است که امروز به درستی مشخص نیست چه کاربردی داشته‌اند. در اطراف مزار خواجه یار، شواهدی به جز آب‌انبار و گورستان از گذشته مشاهده نمی‌شود. با وجود این، وسعت قبرستان و قطعات سنگ قبرهایی که برخی‌شان متعلق به دوره صفویه هستند، نشان می‌دهد که این محل، تاریخی بلندبالا دارد و باید در تاریخ خواف و خرگرد، جایی برای مزار خواجه یار باز کرد.